

ابزارهای حقوق بین‌الملل برای به نظم کشیدن فعالیت‌های علمی در حوزه شبیه‌سازی انسانی

محمد تقی کروی^۱، محمد مهدی آخوندی^۱، آرش مهذب^۲، زوبین نصیری محلاتی^{۱*}

۱. دانشگاه علم و فرهنگ و گروه پژوهشی حقوق و اخلاق زیستی، پژوهشکده بیوتکنولوژی تولید مثل، پژوهشگاه فناوری‌های نوین علوم زیستی جهاد دانشگاهی - ابن سینا

۲. گروه پژوهشی جنین شناسی، پژوهشکده بیوتکنولوژی تولید مثل، پژوهشگاه فناوری‌های نوین علوم زیستی جهاد دانشگاهی - ابن سینا

فصلنامه پایش

سال یازدهم شماره اول بهمن - اسفند ۱۳۹۰ صص ۱۲۵-۱۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۸

[نشر الکترونیک پیش از انتشار-۱۲ آذر ۱۳۹۰]

چکیده

شبیه‌سازی انسانی پس از آزمایش‌های موفقیت آمیز در زمینه شبیه‌سازی پستاندارن و پیش بینی دانشمندان مبنی بر امکان پذیر بودن آن در وضعیت فعلی دانش بشری، بحث‌هایی را در حوزه‌هایی خارج از دانش تجربی از جمله اخلاق، دین و حقوق دامن زده است. در پاسخ به دغدغه‌های مطرح شده، نظام‌های حقوقی مختلف در چارچوب مرزهای ملی قوانین متعددی در خصوص منع یا تحدید اشکال شبیه‌سازی انسانی تصویب نموده‌اند.

در کنار قانونگذاری داخلی، جامعه بین‌المللی نیز اغلب به شکل تصویب قطعنامه‌ها و اعلامیه‌هایی در سازمان‌های بین‌المللی (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یونسکو و سازمان بهداشت جهانی) در منع و سرزنش شبیه‌سازی مولد انسانی واکنش نشان داده است. با این حال تلاش‌های بین‌المللی برای تصویب کنوانسیون در خصوص منع شبیه‌سازی انسانی به علت تشتت آرا دولت‌ها تا کنون بی نتیجه مانده است. از آنجایی که قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی فی نفسه از نظر حقوقی الزام آور نیستند، حقوق بین‌الملل برای الزام دولت‌ها به ممانعت از ایجاد امکان شبیه‌سازی انسانی باید به تکنیک دیگری متوسل شود.

در این مقاله، بحث شده است که در پرتو رویه و موضعی که دولت‌ها در قبال شبیه‌سازی انسانی اتخاذ کرده‌اند می‌توان به شکل‌گیری عرف بین‌المللی در این زمینه قایل بود و با تکیه بر این تکنیک شناخته شده حقوقی، خلأهای ناشی از عدم توافق دولت‌ها را در انعقاد معاهده‌ای جهانی پر کرد.

کلیدواژه‌ها: شبیه‌سازی مولد، شبیه‌سازی درمانی، عرف بین‌المللی، قطعنامه‌های بین‌المللی

* نویسنده پاسخگو: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگاه ابن سینا

تلفن: ۲۲۴۰۲۰۱۱

E-mail: zoobin.nasiri@gmail.com

مقدمه

شبیه سازی

شبیه سازی (کلونینگ) در لغت عبارت است از تولید مثلی (غیرجنسی) که ذخیره وراثتی موجود زنده تولید شده به طور عینی مشابه والد خود باشد [۲]. نقطه عکس شبیه سازی، تولید مثلی (جنسی) است که در آن ساختار ژنی فرزند از نظر ذخیره ژنی برآیند ژن‌های پدری و مادری باشد. کلونینگ به طور طبیعی در تولید مثل اکثر موجودات تک سلولی مانند باکتری‌ها و آغازیان رخ می‌دهد. سلول‌های پیکری (سوماتیک) همه موجودات پرسلولی عالی نیز ناشی از تمایز اولیه سلول‌های جنینی (حاصل از تخمک لقاح یافته به وسیله تولید مثل جنسی) و تکثیر غیرجنسی آن سلول‌ها در مراحل بعدی رشد و نمو هستند. بنابر این شبیه سازی یا کلونینگ در سطح یک سلول اتفاقی است که به طور عادی و روزانه در بدن تمامی موجودات پرسلولی رخ می‌دهد و تعداد زیادی سلول جایگزین که از نظر ذخیره ژنی عیناً مشابه هم هستند تولید می‌کند. گاهی هم شبیه سازی در سطح تولید یک فرد مستقل پرسلولی به طور طبیعی رخ می‌دهد. نمونه بارز آن ایجاد دوقلوهای همسانی است که از تقسیم غیرجنسی جنین چند سلولی به دو جنین و نهایتاً دو فرد مجزا، که در مراحل اولیه جنینی رخ داده و منجر به تولید فرزندان عیناً مشابه هم (همو زایگوت) می‌شود.

شبیه سازی جانداران پرسلولی به طور مصنوعی با هدف تولید یک فرد جدید نخستین بار در ۱۹۵۲ با شبیه سازی قورباغه آغاز شد و در ۱۹۹۶ با شبیه سازی گوسفندی که دالی نام گرفت به اوج موفقیت خود رسید. این شبیه سازی که به طور عام شبیه سازی مولد نامیده می‌شود، با تولید یک جاندار پرسلولی کاملاً مشابه از یک سلول منفرد تعریف می‌شود [۲]. در این شبیه سازی سلول منفرد (پیکری یا سوماتیک) صرف نظر از این که از چه راهی به دست آورده می‌شود، با انتقال به یک تخمک بدون هسته همان نوع، به سمت کسب ویژگی‌های عملکردی یک جنین سوق داده می‌شود (جنین حاصل ماده وراثتی خود را تنها از همان سلول پیکری منفرد دریافت کرده است و ماده وراثتی تخمک، تأثیری در ویژگی‌های وراثتی آن ندارد). این جنین نهایتاً در رحم مادر جایگزین (Surrogate mother) که تنها وظیفه پرورش جنین را دارد و از نظر وراثتی فاقد وابستگی با جنین است، قرار داده می‌شود و شرایطی فراهم می‌شود که آن سلول منفرد پیکری بدون تولید مثل جنسی در یک سلول تخمک رشد کند. ابتدا به یک جنین و سپس

به یک جاندار جدید تبدیل شود. خصوصیات ژنی فرد حاصل کاملاً مشابه فرد یا سلول‌هایی است که سلول منفرد پیکری اولیه از آن استخراج شده‌اند.

روش به دست آوردن سلول اولیه منفردی که در شبیه سازی به جای سلول‌های تولید مثلی (گامت) عمل می‌کند، متفاوت است. یکی از اولین روش‌های شبیه سازی مولد که دالی نیز به همین روش به دنیا آمد، روش انتقال هسته سلول‌های پیکری (SCNT) است که در آن ماده وراثتی موجود در هسته یک سلول پیکری، که قابلیت تولید مثل جنسی ندارد، به سیتوپلاسم سلول تخمک بدون هسته انتقال داده شود. شرایط ایجاد شده و سیتوپلاسم موجود در تخمک، وضعیتی را برای سلول و ماده وراثتی جدید فراهم می‌کند تا سلول، شرایط ابتدایی یک سلول تخمک آماده برای لقاح و تولید یک فرد جدید را پیدا نموده و عیناً مانند یک جنین شروع به تقسیم سلولی نموده، پس از وارد شدن به بدن مادر جایگزین، موجود جدیدی را پدید آورد [۲]. روش دیگری که برای شبیه سازی مولد استفاده می‌شود جداسازی یک یا چند سلول منفرد از مجموعه سلول‌های ناشی از تقسیم تخمک لقاح یافته (جنین) ایجاد شده توسط لقاح خارج رحمی است. از آنجایی که در لقاح خارج رحمی لقاح، تشکیل زایگوت و تقسیمات اولیه جنینی در خارج از بدن موجود زنده یعنی در آزمایشگاه رخ می‌دهد، سلول‌های اولیه (بلاستومر) ناشی از تقسیم این جنین‌ها، که توان تقسیم بالا و تبدیل شدن به یک جنین جدید را دارند، در دسترس هستند. سلول بلاستومر جدا شده از این توده سلولی دو تا چهار روزه می‌تواند در شرایط خاص جنینی را به وجود آورده و به رحم جایگزین منتقل و موجود جدیدی را تولید نماید.

در نقطه مقابل شبیه سازی مولد (Reproductive cloning)، شبیه سازی درمانی (Therapeutic cloning) و نیز شبیه سازی تحقیقاتی (Research cloning)، که گاه معادل یکدیگر به کار برده می‌شوند، قرار دارند [۲]. هر چند روش‌های به دست آوردن جنین آزمایشگاهی مشابه روش‌های توضیح داده شده در فوق است، اما جنین‌ها به دلیل عدم انتقال به رحم، هرگز به تولید یک فرد مستقل نمی‌انجامند. در روش‌هایی از این دست از رحم جایگزین خبری نیست و غالباً تقسیم و تمایز سلول‌ها در محیط‌های آزمایشگاهی انجام می‌پذیرد. ماحصل این شبیه سازی، مجموعه سلول‌هایی است که رفتار سلول‌های بدن یا بافت موجود زنده (که سلول اولیه از آن استخراج شده است) را تقلید می‌کند [۲].

متعاقب تصویب اعلامیه یونسکو، سازمان بهداشت جهانی نیز شبیه سازی انسانی را اخلاقاً غیرقابل پذیرش خواند [۴]. این سازمان موضوع شبیه سازی انسانی را در دستور کار اجلاس خود قرار داد؛ بحث و بررسی بر سر این موضوع نهایتاً منجر به تصویب قطعنامه این سازمان در ۱۶ مه ۱۹۹۸ شد [۵]. این قطعنامه با اشاره به اعلامیه مصوب یونسکو اعلام داشت «شبیه سازی برای استنساخ افراد انسانی اخلاقاً نامقبول و مغایر با کرامت و تمامیت انسان است» سازمان بهداشت جهانی در این راستا: دولت‌های عضو را تشویق می‌کند مباحثه مداوم و آگاهانه در خصوص این موضوع را تقویت کنند و اقدامات مقتضی از جمله اقدامات حقوقی و قضایی را برای ممنوع ساختن شبیه سازی با هدف نسخه برداری از افراد انسانی اتخاذ دارند.

اعلامیه جهانی یونسکو راجع به ژنوم انسانی و حقوق بشر نهایتاً با وفاق عام کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد به تأیید مجمع عمومی این سازمان نیز رسید [۶]. جایگاه اعلامیه یاد شده و اقبالی که جامعه بین‌المللی بدان نشان داده باعث شده است که از این اعلامیه به عنوان سنگ بنای تلاش‌ها برای تمشیت مسئله شبیه سازی انسانی در سطح بین‌المللی یاد شود [۷]. بحث اخلاقی در خصوص جواز یا ممنوعیت شبیه سازی در جامعه بین‌المللی همچنان ادامه پیدا کرد تا این که در سال ۲۰۰۱ هیأت‌های نمایندگی دائم فرانسه و آلمان نزد سازمان ملل متحد از دبیرکل تقاضا نمودند تا موضوعی اضافه را در دستور کار پنجاه و ششمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه سازی مولد نوع بشر» بگنجاند [۸]. این تقاضا سرآغاز مجادله‌ای طولانی بر سر نحوه و میزان ممنوعیت و محدودیت قابل اعمال بر اشکال مختلف شبیه سازی انسانی بود.

پیشنهاد این دو کشور پس از طرح در مجمع عمومی به کمیته ششم مجمع (کمیته حقوقی) ارجاع شد. در دستور کار کمیته، نماینده دولت آلمان به محدود کردن دایره کنوانسیون به شبیه سازی مولد اصرار می‌ورزید، در حالی که ناظر واتیکان در سازمان ملل خواستار ممنوعیت کلیه اشکال شبیه سازی بود. نگرش‌های متفاوت کشورها به این موضوع مهم در کمیته سرآغاز تشتت و دو دستگی در بین دولت‌های عضو سازمان شد [۹]. با تشکیل کمیته‌ای ویژه طبق تصمیم مجمع عمومی و نیز ایجاد کارگروهی تحت نظر کمیته ششم، تلاش‌ها برای تعیین محتوی و دامنه قواعد کنوانسیون بین‌المللی علیه شبیه سازی انسانی ادامه پیدا کرد. در

سلول‌های حاصل که در طبقه بندی سلول‌های بنیادی جنینی قرار می‌گیرند، قابلیت آن را دارند که پس از تمایز به سلول یا بافت یا ارگان مورد نظر و بدون نگرانی از احتمال رد پیوند و یا جهت‌گیری برای درمان یک بیماری یا ترمیم یک بافت آسیب دیده به والد اولیه (که سلول پیکری از آن دریافت و جهت تشکیل جنینی که ذخیره ژنی یکسانی با بیمار دارد، مورد استفاده قرار گرفته) و پیوند زده شوند. در شبیه سازی تحقیقاتی از این روش برای شبیه سازی بافت‌ها، بررسی علل بیماری‌ها، بررسی اثرات داروها یا کشف رموز زیستی استفاده می‌شود. روش‌های به دست آوردن و استفاده از سلول اولیه در شبیه سازی‌های درمانی یا شبیه سازی تحقیقاتی با شبیه سازی مولد یکسان هستند، با این تفاوت که سرنوشت نهایی سلولی که به عنوان جنین تولید می‌شود، تولید جاندار جدیدی نیست و برای مقاصد دیگری از جمله درمان و یا پژوهش استفاده می‌شود. اگرچه سلب قابلیت حیات از موجودی که می‌توانسته بالقوه به طور مستقل به دنیا بیاید و زندگی کند، از مسایل مورد بحث و چالش در این نوع شبیه سازی است. بدین ترتیب تمام اختلاف نظرها بر سر این است که رویان یا جنین از چه زمان موجود انسانی محسوب می‌شود؟ و آیا انجام آزمایش بر روی جنین انسان به این نحو مجاز است؟ و نهایتاً این که آیا مجاز شمردن شبیه سازی درمانی با توجه به امکان بالقوه انحراف آن به سمت شبیه سازی مولد مخاطره آمیز نیست؟

تلاش نافرجام برای انعقاد معاهده بین‌المللی علیه شبیه سازی

موضوع شبیه سازی انسانی و تبعات عملی آن موجب بروز چالش‌های شدیدی در میان اعضای جامعه بین‌المللی شده است. اولین واکنش به شبیه سازی انسانی در سطح بین‌المللی سیزده سال پیش در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) صورت گرفت، واکنش و تلاشی که نهایتاً به موضع‌گیری اجماعی دولت‌های عضو این سازمان در خصوص شبیه سازی انسانی مولد در قالب ماده ۱۱ اعلامیه جهانی سال ۱۹۹۷ یونسکو راجع به ژنوم انسانی و حقوق بشر صورتبندی شد. ماده یاد شده این اعلامیه مقرر می‌دارد: «آزمایش‌های مغایر با کرامت انسانی، از قبیل شبیه سازی مولد نوع بشر، مجاز نیست. از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی صاحب صلاحیت دعوت می‌شود در تعیین و توصیف این آزمایش‌ها و نیز اتخاذ تدابیر ضروری در سطح ملی و بین‌المللی و برای تضمین این که اصول مندرج در این اعلامیه رعایت خواهند شد، همکاری کنند».

تلخیص دیدگاه‌های گروه‌های مختلف می‌توان اشاره کرد که بخشی از دولت‌ها معتقد بودند استراتژی گام به گام مؤثرتر است؛ یعنی ابتدا شبیه سازی مولد که ممنوعیتش موضوع وفاق دولت‌هاست طی کنوانسیون ممنوع شود و سپس تلاش‌ها برای تنظیم قواعدی در خصوص شبیه سازی درمانی یا تحقیقاتی ادامه یابد. در مقابل دولت‌های موافق ممنوعیت کلیه اشکال شبیه سازی معتقد بودند که ممنوعیت شبیه سازی مولد به تنهایی ممنوعیتی ناتمام است و عملاً امکان نظارت بر شبیه سازی تحقیقاتی وجود ندارد و این فرایند به راحتی می‌تواند به سمت شبیه سازی مولد منحرف شود. در جریان مباحثات کمیته ششم و مجمع عمومی کشورهای مدافع جواز شبیه سازی تحقیقاتی معتقد بودند که کنوانسیون باید این نوع شبیه سازی را مجاز شمرده و قواعدی برای تنظیم روش‌های انجام آن پیش بینی کند. این دسته از کشورها بحث می‌کردند که این امر موجب توسعه دانش بشری می‌شود و هرگونه تلاش در جهت ممنوعیت و یا محدود کردن دانش بشری و یا ایجاد مانع در این مسیر، امری غیرمعقول است. در مقابل، دیدگاه گروه دیگری از دولت‌ها این بود که شبیه سازی تحقیقاتی یا درمانی در واقع استفاده سوء از جنین انسانی است. این دسته از دولت‌ها بحث کردند که سلول‌های بنیادی لازم برای درمان افراد از بالغان قابل تحصیل است و ضرورتی ندارد حتماً سلول بنیادین جنینی در تحقیقات و درمان مورد استفاده قرار گیرد. در جریان این مجادلات هر از چند گاهی اخباری ضد و نقیض از موفقیت یا موفقیت قریب الوقوع شبیه سازی انسانی در آزمایشگاه‌ها در رسانه منتشر می‌شد. اخباری که علاوه بر دامن زدن به مباحثات، موجب نگرانی‌هایی در خصوص تعلل و تأخیر در تصمیم گیری درون سیستم ملل متحد در خصوص موضوعی پر اهمیت همچون شبیه سازی انسانی می‌شد. با به بن بست رسیدن مذاکرات و با لحاظ این امر که فوریت موضوع ایجاب می‌کرد، جامعه بین‌المللی نسبت به آن واکنشی نشان دهد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت موضوع تدوین کنوانسیون را از دستور کار خارج و از کمیته ششم بخواهد به تدوین اعلامیه‌ای در این خصوص مبادرت ورزد [۷].

بعد از قریب به چهار سال کار مستمر مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۸ مارس ۲۰۰۵ قطعنامه‌ای با عنوان «اعلامیه ملل متحد در خصوص شبیه سازی انسانی» را با ۸۴ رأی مثبت و ۳۴ رأی منفی به تصویب رساند. ۳۷ دولت نیز از شرکت در رأی گیری خودداری کردند [۱۰]. یکی از علل افزایش تعداد دولت‌های مخالف

و ممتنعان ابهام و تفسیر پذیری مفاد اعلامیه بود که امکان برداشت‌های مختلف از متن را امکان پذیر می‌کرد. در این میان با توجه به اختلاف نظرهای پیشین بین دولت‌ها، بیشترین میزان مناقشه بر سر عدم تفکیک میان شبیه سازی مولد و شبیه سازی غیرمولد بود. بند الف قطعنامه مذکور از دولت‌ها می‌خواهد کلیه اقدامات ضروری برای حفاظت مؤثر از حیات بشر در کاربرد دانش‌های راجع به حیات را اتخاذ دارند و بند «ب» دولت‌ها را فرا می‌خواند که کلیه اشکال شبیه سازی انسانی را تا آنجا که با کرامت انسانی و حفاظت از حقوق بشر ناسازگار هستند، ممنوع کنند.

بسیاری از کشورها به ویژه آنهایی که با قطعنامه مخالف بودند، پس از رأی گیری به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند. سخنان نماینده چین نزد سازمان ملل متحد بازتاب دهنده مشکلات این قطعنامه است [۱۱، ۳]. وی در توضیح علت رأی مخالف دولت متبوعش به قطعنامه اظهار داشت که کشورهای مختلف برداشت‌های گوناگونی از جنبه‌های اخلاقی و مذهبی متن دارند و جای تأسف دارد که اعلامیه قادر به برآورده کردن دغدغه‌های این کشورها نبوده است. نماینده چین همچنین تأکید کرد که برداشت نادرست از ممنوعیت مندرج در متن ممکن است همه اشکال شبیه سازی را شامل شود. دولت انگلستان نیز عبارت «حیات بشری» در بند الف قطعنامه را عبارتی تأویل پذیر می‌داند که می‌تواند به نحوی تفسیر گردد که شبیه سازی با اهداف درمانی را نیز ممنوع سازد. مواضع دولت‌های چین و انگلستان در قبال قطعنامه مذکور در اظهارات نمایندگان کشورهای دیگر نیز به نوعی تکرار شده است. در جمع بندی نظرات دولت‌های مخالف می‌توان گفت این دولت‌ها به رغم اعتقاد به ممنوعیت شبیه سازی مولد، بر این باورند که امکان شبیه سازی درمانی تحت کنترل دقیق و با وجود محدودیت‌هایی باید فراهم باشد [۱۱].

در سطح منطقه‌ای بر خلاف کنوانسیون بین‌المللی تلاش برای تدوین متنی الزام آور در منع شبیه سازی مولد انسانی به فرجام رسید. پروتکل الحاقی کنوانسیون شورای اروپا در حمایت از حقوق بشر و کرامت نوع بشر در کاربرد زیست شناسی و پزشکی در ممنوعیت شبیه سازی نوع انسان ۱۹۹۸ نمونه ارزشمندی در این حوزه محسوب می‌گردد. ماده ۱ پروتکل یاد شده مقرر می‌دارد:

هر مداخله‌ای با هدف خلق موجودی انسانی که از نظر ژنتیک مشابه موجود انسانی دیگری اعم از مرده یا زنده، باشد ممنوع است [۱۲].

در این ماده عبارت موجودی انسانی که از نظر ژنتیک مشابه موجود انسانی دیگر است، به معنای موجود انسانی است که با انسانی دیگر از نظر مجموعه هسته ژنی یکسان است.

شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص شبیه‌سازی

انسانی

برای بررسی تشکیل عرف بین‌المللی با تأسی به سنت آکادمیک حقوقی باید به دنبال احراز دو عنصر مادی (رویه دولت‌ها) و عنصر معنوی (رأی راسخ دولت‌ها به الزام آور بودن قاعده‌ای خاص) بود [۱۳]. البته نباید از نظر دور داشت که تفکیک بین این دو عنصر در عمل ممکن نیست و رویه دولت‌ها عمدتاً با باور به الزام حقوقی آنچه بدان عمل می‌کنند توأم است. برای شکل‌گیری حقوق عرفی لازم است رویه دولت‌ها یکنواخت، به قدر کافی فراوان و نیز مداوم باشد، به نحوی که بتوان برداشت نمود که نوع خاصی از رفتار تبدیل به هنجار شده است. در بررسی وجود رویه دولت، اعمال سه رکن تقنینی، اجرایی و قضایی دولت به حساب می‌آید، به علاوه برای تشکیل عرف ضروری نیست که عمل دولت حتماً عملی مادی باشد، بلکه اعمال کلامی دولت از قبیل موضع‌گیری‌ها، اعلانات و بیانیه‌های رسمی نیز جزئی از رویه دولت به حساب می‌آید [۱۴]. در کنار رویه دولت اعتقاد به الزام آور بودن هنجار حقوقی عنصر معنوی عرف را تشکیل می‌دهد. بنابراین تنها آن بخش از رفتار و رویه دولت، تشکیل دهنده قاعده‌ای عرفی است که توأم با اعتقاد به قانونی بودن آن باشد و یا دست کم با این اعتقاد همراه باشد که حقوق آن را ضروری انگاشته است [۱۵].

با توجه به وجود قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی به ویژه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص شبیه‌سازی انسانی بی‌مناسبت نیست که جایگاه این اسناد نیز در ایجاد حقوق عرفی به ایجاز مشخص شود. بنابر دکترین حقوقی، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد حسب مورد می‌تواند به عنوان شاهی بر حقوق عرفی موجود باشد و یا به شفاف‌سازی قواعد عرفی در حال ظهور یاری برساند و یا این که در تشکیل حقوق عرفی جدید مؤثر باشد، ولی در هر صورت قطعنامه‌های مجمع عمومی به خودی خود نمی‌تواند موجد حقوق عرفی جدید باشد؛ بدین معنا که این قطعنامه‌ها نمی‌تواند جای رویه دولت‌ها را بگیرد. آنچه در مورد قطعنامه‌های سازمان ملل متحد گفته شد تا حد زیادی در خصوص تصمیمات سایر مجامع بین‌المللی نیز صادق است [۱۴].

در خصوص شبیه‌سازی مولد انسانی رویه دولت‌ها عمدتاً به شکل تقنین و یا انتشار اسنادی که اعتبار الزام آور قانونی دارد بروز و ظهور پیدا کرده است. چنین رویه‌ای واجد هر دو عنصر مادی و معنوی عرف است. بنابر اعلام گزارش سال ۲۰۰۹ کمیته اخلاق زیستی یونسکو در خصوص «شبیه‌سازی انسانی و اداره امور در سطح بین‌المللی»، ۵۷ کشور جهان قوانین و یا متون دارای اعتبار قانونی در خصوص ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسانی به تصویب رسانده‌اند. برخی از دولت‌ها حتی برای انجام این قبیل آزمایش‌ها و فعالیت‌ها مجازات وضع کرده‌اند [۳]. در مقابل باید اذعان کرد که تاکنون هیچ دولتی مقرراتی که این نوع از شبیه‌سازی انسانی را مجاز بشمارد، تصویب نکرده است. علاوه بر این، بسیاری از دولت‌ها در موضع‌گیری‌های رسمی خود در سطح داخلی و در مجامع بین‌المللی از اعتقاد به ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسانی سخن گفته‌اند. بدین ترتیب رویه مستمر و یکنواخت همراه با رأی راسخ دولت‌ها بر ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسانی به میزانی متجلی شده است که می‌توان از ایجاد قاعده‌ای عرفی مبنی بر منع این عمل و یا عرفی در حال شکل‌گیری که هر روز بر استحکام آن افزوده می‌شود سخن گفت. با این وجود نمی‌توان به این توضیح مختصر در اثبات ایجاد حقوق عرفی و یا حقوق عرفی در حال ظهور در خصوص شبیه‌سازی مولد انسانی بسنده کرد، چرا که ممکن است تردیدهایی در این مورد وجود داشته باشد. ایراد نخست این است که اعلامیه سال ۱۹۹۷ یونسکو در خصوص حقوق بشر و ژنوم انسانی به نحوی عامل سوق دهنده دولت‌ها به تصویب قوانین منع‌کننده شبیه‌سازی بوده است و در حال حاضر و با وجود مدت زمان کمی که در آن رویه دولت‌ها شکل گرفته است (قریب به یک دهه) به سختی بتوان از وجود حقوق بین‌الملل عرفی در این خصوص سخن به میان آورد. شبهه دوم این است که تعداد زیادی از دولت‌ها هیچ تقنینی در خصوص منع شبیه‌سازی انسانی نداشته‌اند و عدم اقدام آنان را می‌توان به عنوان نقصی در میزان رویه و اعتقاد لازم برای ایجاد عرف بین‌المللی قلمداد نمود.

در پاسخ به ایراد اول می‌توان به رویه قضایی بین‌المللی رجوع کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال اعلام می‌دارد که رویه فراوان و یکنواخت دولت‌ها در برهه زمانی کوتاهی برای تبدیل یک هنجار رفتاری به قاعده‌ای عرفی کفایت می‌کند [۱۶]. علاوه بر این تجربه عملی نیز مؤید امکان شکل‌گیری عرف در مدت زمانی بالنسبه کوتاه است که از آن جمله می‌توان به

رسمی مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۹۷ گروه ۸ ضمن حمایت از منع شبیه سازی انسانی خواستار تجمیع تلاش‌های بین‌المللی برای اعمال ممنوعیت بر انتقال هسته سلول‌های جسمی (Somatic cells) برای ایجاد طفل شده است. بدین ترتیب و بنابر آنچه ذکر شد صرف عدم تقنین داخلی به منزله مخالفت با و یا دوری گزیدن از فرایند تشکیل عرف بین‌المللی در منع شبیه سازی مولد انسانی نیست و در واقع اعتقاد حقوقی و رویه عملی اکثر قریب به اتفاق دولت‌ها در این خصوص یکسان است.

آنچه تاکنون در خصوص تشکیل عرف و یا عرف در حال ظهور گفته شد، محدود به شبیه سازی مولد انسانی است. همانطور که پیشتر ذکر شد اختلاف نظر در توصیف پدیده شبیه سازی درمانی یا تحقیقاتی منجر به اختلاف نظر در حکم حقوقی حاکم بر آن در سطح بین‌المللی شده است. این اختلاف نظرها در جریان مذاکرات در سازمان ملل متحد، ترکیب اعلامیه ملل متحد در خصوص شبیه سازی انسانی، موضع گیری دولت‌ها در سطح بین‌المللی و نیز قانونگذاری داخلی به چشم می‌خورد. به طور مثال از میان کشورهایی که شبیه سازی مولد را قانوناً ممنوع کرده‌اند برخی حکم به جواز تحقیقات جنینی و شبیه سازی درمانی با شرایطی خاص و تحت نظارت‌های دقیق داده‌اند (مانند بلژیک، برزیل، شیلی، چین، آلمان، انگلستان)، برخی با وجود آن که در مقام بیان احکام قانونی راجع به شبیه سازی انسانی و تحقیقات جنینی بوده‌اند، در این خصوص سکوت کرده‌اند (مانند ترکیه و اکرین) که می‌تواند حمل بر جواز شود و تعداد کمی نیز شبیه سازی را مطلقاً ممنوع دانسته‌اند (مانند اتریش، اکوادور و گرجستان). بنابراین نه وحدت رویه و نه اعتقاد واحدی در خصوص شبیه سازی درمانی وجود دارد، تثنی که مانع از شکل گیری حقوق عرفی در این حوزه شده است [۳].

بحث و نتیجه گیری

تاکنون هیچ گزارش رسمی بین‌المللی دال بر انجام شبیه سازی مولد انسانی منتشر نشده است، با این وجود لازم است برای تدارک منبعی قراردادی به منظور قانونمند ساختن جامع حوزه شبیه سازی انسانی چاره‌ای اندیشید. یونسکو بر لزوم تدوین متنی الزام آور در حوزه شبیه سازی انسانی در عرصه بین‌المللی تأکید دارد.

برای یافتن التزامات حقوقی کشورها باید به محتوای منابع حقوق بین‌الملل که در بر گیرنده معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی و

شکل گیری قواعد عرفی در خصوص فضای ماورای جو و حق حاکمیت بر قلمرو قضایی به عنوان مصداقی در این زمینه اشاره کرد [۱۷]. شکل گیری سریع حقوق عرفی در حوزه موضوعاتی که معمولاً به دنبال پیشرفت سریع در دانش و فناوری مطرح می‌شوند پیش‌تر نیز سابقه داشته است. در خصوص ایراد دوم ابتدا باید اشاره کرد که از لحاظ نظری سکوت و عدم اعتراض دولت‌ها در جریان شکل گیری حقوق عرفی می‌تواند موجب شکل گیری عرف بین‌المللی عامی شود که به رغم عدم مشارکت دولت‌های ممتنع، برای آنها نیز لازم الاجرا است [۱۴].

با این حال در بحث حاضر می‌توان از اقدامات و گردهمایی‌های منطقه‌ای و جهانی مثال آورد که بسیاری از دولت‌ها مواضع خود را در خصوص شبیه سازی انسانی در قالب آن، به شکل اعمال کلامی همراه با اعتقاد حقوقی، ابراز نموده‌اند. در سطح منطقه‌ای در سال ۱۹۸۶ شورای اروپا، دولت‌های عضو را ترغیب نموده تا با به کار گیری راهکارهایی کارآمد مانع سوء استفاده از فنون زیست شناسی در ایجاد موجودات انسانی مشابه خواه از طریق شبیه سازی و خواه از طریق روش‌های دیگر شوند. بعد از آن و همانطور که در بخش پیشین اشاره شد، یونسکو، مجمع عمومی سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌هایی را در خصوص منع و یا تحدید آزمایش‌های راجع به شبیه سازی انسانی تصویب نمودند. علاوه بر این اقدامات، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۳ تا کنون ۵ قطعنامه در خصوص موضوع شبیه سازی انسانی تصویب نموده است که در آن موضع جامعه جهانی از منظر حقوق بشر نسبت به این نوع آزمایش‌ها اعلام شده است [۱۸]. تلاش‌های شورای اروپا نیز منجر به انعقاد و تصویب پروتکل الحاقی به کنوانسیون اروپایی داروهای بیولوژیک شد که تنها منبع قراردادی در خصوص شبیه سازی است. این سند همچنین حاوی منع جامع شبیه سازی انسانی به حساب می‌آید. در چارچوب اتحادیه اروپا نیز در سال ۱۹۹۷ شورای اتحادیه، منع شبیه سازی انسانی را اعلام نمود و علاوه بر آن پارلمان اروپا نیز از سال ۱۹۹۳ دستورالعمل‌های متعددی را که حاکی از اجماع اعضا مبنی بر تعارض شبیه سازی انسانی با نظم عمومی و اخلاق است، به تصویب رسانده است [۱۹]. سازمان وحدت آفریقا (سابق) نیز در سی و دومین گردهمایی سران کشورهای عضو در سال ۱۹۹۶ قطعنامه‌ای را در خصوص اخلاق زیستی و موضوعات مرتبط از جمله شبیه سازی انسانی به تصویب رسانده است و نهایتاً این که اطلاعیه

قرار گیرد. از این رو مناسب است قانونگذار کشورهایی نظیر ایران که تاکنون اقدامات تقنینی در این حوزه را انجام نداده‌اند برای سامان دادن تحقیقات مرتبط، با مطالعه‌ای جامع و عمیق اقدام تقنینی لازم را در قبال شبیه سازی صورت دهند.

فقدان قانون خاص در این زمینه می‌تواند از یک سو بستر مناسبی برای تحقیقاتی که هم با شرع و هم با اخلاق در تعارض است به وجود آورد و از سوی دیگر سردرگمی در بیان نظر رسمی کشور در مجامع بین‌المللی را رقم زند. شایان ذکر است که نماینده دولت ایران در رأی گیری راجع به اعلامیه مناقشه بر انگیز ملل متحد در خصوص شبیه سازی انسانی نه تنها مشارکت فعال در بحث و ارائه نظر نداشت، بلکه به دلیل عدم آگاهی از موضع رسمی کشور در این زمینه به رای ممتنع توسل جست. شایسته است در موارد مشابه و در نشست‌ها و مجامع بین‌المللی با آگاهی از موضع حقوقی دولت ایران چنین رفتاری تکرار نشود. موضع گیری و عملکرد نمایندگان رسمی دولت‌ها در مجامع بین‌المللی برای آن دولت‌ها تبعات حقوقی به همراه خواهد داشت.

اهتمامی که در سال‌های اخیر به مسئله شبیه سازی درمانی و تحقیقات راجع به سلول‌های بنیادین در کشور صورت گرفته است، بسیار ارزشمند است و ظاهراً این گونه تحقیقات با مبانی فقهی و شرعی نیز تعارض ندارد. بنابراین باید ترتیبی اندیشید که در مجامع و سازمان‌های مختلف بین‌المللی از یک سو با مشارکت فعال در شکل گیری اسناد بین‌المللی مؤثر بود و از سوی دیگر موضع واحدی از ناحیه دولت ایران در قبال شبیه سازی درمانی، تحقیقاتی و انسانی به جامعه جهانی عرضه شود.

سهم نویسندگان

محمدتقی کروی: بررسی و تحلیل حقوقی اسناد بین‌المللی راجع به شبیه سازی انسانی

محمد مهدی آخوندی: تحقیق و نگارش بخش اول مقاله شامل موضوع شناسی و ارائه اطلاعات علمی و پزشکی در خصوص شبیه سازی انسانی و روش‌های آن

آرش مهذب: تحقیق و نگارش بخش اول مقاله شامل موضوع شناسی و ارائه اطلاعات علمی و پزشکی در خصوص شبیه سازی انسانی و روش‌های آن

زوبین نصیری محلاتی: تهیه و تدوین نهایی مقاله

اصول کلی حقوقی مورد پذیرش ملل متمدن است رجوع کرد. با این حال ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری علاوه بر موارد پیش گفته تصمیمات قضایی و آموزه‌های دانشمندان برجسته حقوقی را نیز به عنوان منبع فرعی تبیین کننده محتوای قواعد حقوقی نامبرده است.

با توجه به روند رو به گسترش تدوین حقوق بین‌الملل به ویژه وضع قواعد حقوقی در حوزه‌های نو، تدوین معاهده الزام آور بین‌المللی در حوزه شبیه سازی در اولویت است، زیرا معاهدات بین‌المللی به عنوان منبع اصلی قواعد حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد و در صورت تعارض میان این منبع با سایر منابع از جمله عرف، به عنوان یک قاعده کلی حقوقی، معاهده بر رویه عرفی حاکم می‌گردد.

به علاوه معاهدات در تعیین قواعد جدید و یا تدوین و یا بازشناسی حقوق عرفی نقش اساسی ایفا می‌کنند. با این حال و با عنایت به تعارض شدید نظرات دولت‌ها و شکست تلاش‌های بین‌المللی برای رسیدن به معاهده‌ای قانون ساز در خصوص منع شبیه سازی انسانی، لاجرم باید برای پیش برد حقوق بین‌الملل در این حوزه به منبع دیگر حقوق بین‌الملل یعنی عرف متوسل شد. شاید با عنایت به سطح دانش فعلی راجع به شبیه سازی بتوان به عنوان ضرورت به الزامات ناشی از قطعنامه‌های کنونی برای اداره امور در سطح بین‌المللی بسنده کرد، اما در تمشیت این حوزه از دانش بشری در سطح بین‌الملل نباید از دیگر ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل از جمله حقوق عرفی بین‌المللی غافل ماند. در همین راستا کشورها می‌توانند با عملکرد فعال خود در عرصه بین‌المللی به استحکام حقوق عرفی موجود و یا در حال ظهور کمک کنند. تلاش برای به نظم کشیدن تحقیقات علمی از طریق قانونگذاری داخلی یکی از روش‌های تقویت فرایند شکل گیری عرف بین‌المللی است.

تقویت و تثبیت حقوق عرفی در حال ظهور از آنجا اهمیت دارد که با دامنه شمول جهانی مانع از آن می‌شود که کشورهای کوچک خاک خود را برای تأسیس آزمایشگاه‌های شبیه سازی در اختیار افراد و یا گروه‌هایی قرار دهند که برای فرار از قوانین مصوب کشورهای خود به طور مصلحتی به این مناطق روی می‌آورند. تجربه‌هایی چون واگذاری پرچم توسط کشورهای کوچک و فقیر به کشتی‌های کشورهای دیگر که در مواقع بروز حوادث دریایی مشکلاتی را در حوزه مسئولیت حقوقی پدید آورده است، باید در حوزه شبیه سازی انسانی مایه عبرت دولت‌ها در جامعه بین‌المللی

منابع

1. Islami, SH. Human cloning from Catholic and Islamic viewpoints. 1 st Edition, Religions and Denominations Studies and Research Center: Tehran, 2007 [Persian]
2. Svendsen CN, Ebert AD. Encyclopedia of stem cell research. SAGE Publications: London, 2008
3. Report of International Bioethics Committee of the UNESCO on Human Cloning and International Governance, SHS/EST/CIB 16/09/CONF.503/2 Rev. 9 June 2009:7. Available at the UNESCO Official Website
http://portal.unesco.org/shs/en/files/12828/12446291141IBC_Report_Human_Cloning_en.pdf/IBC%2BReport%2BHuman%2BCloning_en.pdf [Last visit 15 October 2011]
4. World Health Organization, The Health Assembly Fiftieth Session's Resolution No.37 (WHA50.37), Human Cloning For Reproductive Purposes, 5-14 May 1997. Available at World Health Organization Official Website:
<http://www.who.int/genomics/publications/governance/wha/wha050/en/index.html> [Last visit 15 October 2011]
5. World Health Organization The Health Assembly Fifty-First Session's Resolution No.10 (WHA51.10) Ethical, Scientific And Social Implications Of Cloning In Human Health, 16 May 1998. Available at World Health Organization Official Website:
www.who.int/ethics/en/WHA51_10.pdf [Last visit 15 October 2011]
6. United Nations General Assembly, Fifty-Third Session's Resolution No.15 (A/RES/53/15) 9 December 1998. Available at United Nation Official Website:
<http://www.un.org/depts/dhl/resguide/r53.htm> [Last visit 15 October 2011]
7. Kuppaswamy C, Macer D, Serbulea M, Tobin B. Is Human Reproductive Cloning Inevitable: Future Options for UN Governance, United Nation University, Institute of Advanced Studies Report, Yokohama 2007
8. United Nations General Assembly, fifty-sixth session Official Document No. 192, (A/56/192) Request for the inclusion of a supplementary item in the agenda of the fifty-sixth session International convention against the reproductive cloning of human beings, 7 August 2001. Available at United Nation Official Website:
<http://www.un.org/documents/ga/docs/56/a56192.pdf> [Last visit 15 October 2011]
9. United Nations General Assembly, Sixth Committee, Fifty-Sixth Session, Official Document No. L.19 (A/C.6/56/L.19). Draft Resolution of International Convention Against The Reproductive Cloning of Human Beings. Available at United Nation Official Website:
<http://www.un.org/Docs/journal/asp/ws.asp?m=A/C.6/56/L.19> [Last visit 15 October 2011]
10. United Nations General Assembly, fifty-ninth session, Resolution No.280 (A/RES/59/280) United Nations Declaration on Human Cloning, 23 March 2005. Available at United Nation Official Website:
<http://www.un.org/depts/dhl/resguide/r59.htm> [Last visit 15 October 2011]
11. Fifty-Ninth United Nations General Assembly Plenary 82nd Meeting (AM). Official Press Release No. GA/10333, 8/3/2005. Available at United Nation Official Website:
<http://www.un.org/News/Press/docs/2005/ga10333.doc.htm> [Last visit 15 October 2011]
12. Additional Protocol to the Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being with regard to the Application of Biology and Medicine, on the Prohibition of Cloning Human Beings, 12 January 1998. Available at The Council of Europe's Official Treaty Office website:
www.conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/html/168.htm [Last visit 15 October 2011]
13. Villiger M. Customary International Law and Treaties. 1 st Edition, Martinus Nijhoff Publishers: Londen, 1985
14. Statement of Principles Applicable to the Formation of General Customary International Law, International Law Association: London, 2000
15. Gardiner R. International Law, Pearson Education Limited, Essex, 2003: 103
16. International Court of Justice, Judgment of 20 February 1969: 42-43. Available at Official Website of the International Court of Justice: <http://www.icj-cij.org/docket/files/51/5535.pdf> [Last visit 15 October 2011]
17. Akehurst M. Modern Introduction to International Law. 7th Edition, Routledge: New York, 1997
18. United Nations Commission on Human Rights Resolutions on Human Rights and Bioethics, 25 2001/71 April 2001; 1999/63 28 April 1999, 1997/71

16 April 1997; 1995/82 8 March 1995; 1993/91 10 March 1993. Available at the United Nations High Commissioner for Human Rights: <http://www.unhchr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/> [Last visit 15 October 2011]

19. European Parliament resolution on human cloning, 7 September 2000, European Parliament Resolution on human cloning, 15 January 1998; European Parliament

Resolution on cloning, 12 March 1997; European Parliament Resolution on the cloning of the human embryo, 22 November 1993. Available at Official Website of the European Parliament: <http://www.europarl.europa.eu/activities/archives/staticDisplay.do;jsessionid=3125F902A18E5FE3223C0FE8A7239DF.node2?id=120&language=en> [Last visit 15 October 2011]